

پیکار سرخ و خونین طبقه کارگر ادامه دارد... تاپیروزی

دفا! نیروهای کمونیست! نیروهای انقلابی و دمکرات!

رژیم سرمایه داری دولتی جمهوری اسلامی، با اعمال فاشیستی ترین سرکوبها، کمر به نابودی انقلاب بسته است. طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان که ستون های اصلی انقلاب را تشکیل میدهند، امروز تحت شدیدترین فشارها قرار دارند. فشارهای گوناگون اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، زندگی را برای توده های زحمتکش و اقشار آگاه خلق به جهنمی غیر قابل تحمل تبدیل کرده است. آنچه رژیم را بر سر پا نگه داشته، دیگر نه توهم نسبت به خمینی، بلکه سرکوب و خفقان بی سابقه و حمام های خون است. این سرکوب در درجه اول متوجه نیروهای آگاه و در جهت نابود کردن شرایط ذهنی انقلاب و قیام مجدد توده هاست. رژیم با شم طبقاتی خود و با شناخت و تجربه ای که از توده ها دارد درک میکند که توده ها چنین رژیمی را تحمل نخواهند کرد. آنها مبارزه خواهند نمود و مقدمات یک قیام دیگر در جهت به پیروزی رساندن انقلاب ناتمام اخیر را فراهم خواهند کرد. رژیم برای آنکه جنبش انقلابی از عناصر آگاه و از رهبری کمونیستی و انقلابی محروم باشد، تلاش میکند تا شرایط ذهنی انقلاب و مشخصا سازمان های کمونیستی و انقلابی را نابود کند. طبقه حاکم بر اساس ماهیت ارتجاعی خود، بر اساس تضاد آشتی ناپذیر خویش با طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، بر اساس وحشتی که از پیشروی کمونیسم و انقلاب دارد، بی سابقه ترین جنایتها را علیه کارگران و زحمتکشان و علیه نیروهای کمونیست و انقلابی بکار میرد و با مبتذل ترین توجیهات قرون وسطائی و تبلیغات گولزنی کم سابقه، میکوشد آن جنایات را برای توده های نا آگاه موجه جلوه دهد.

اما روند دیالکتیکی مبارزه طبقاتی، روز بروز ماهیت ارتجاعی رژیم را بیشتر برای توده ها آشکار میسازد. دشمنی بی حساب رژیم سرمایه داری حاکم با طبقه کارگر، امروز برای کارگران آگاه ایران از سابق بسیار روشنتر است. اعتصابهای کارگری ماههای اخیر که خواسته های سیاسی نیز در برخی از آنها برجستگی ویژه ای داشته و اعتراض به اعدام رفقای کارگر یا دستگیری یا اخراج آنان، نقش خاصی در اعتصاب بازی کرده است نشان میدهد که این بار، دیگر طبقه کارگر با هشیاری و آگاهی ای فراتر از گذشته وارد کارزار خواهد شد. فروریختن توهمات ابتدایی کارگران نسبت به رژیم و شخص خمینی، نسبت به ادعاهای باصطلاح طرفداری از کارگران که رژیم دائما تکرار میکند، تنفر از پاسداران و کمیته ها، تنفر و تحقیر نسبت به هر آنچه که وابسته به رژیم و در خدمت آنست، تنفر از ریزونیستهای "توده ای" و "اکثریتی" که در دشمنی با کارگران و زحمتکشان تا انجام هر خیانتی پیش رفته اند، عدم اعتماد نسبت به لیبرالها که مشت شان پیش توده ها باز شده، درک بی نتیجه بودن و نادرستی مشی آنارشیستی و ترور که از سوی مجاهدین در پیش گرفته شده و... اینها

مقدمات حرکت مستقل طبقه کارگر در مبارزه است . این نقش و این چشم انداز ، خود انعکاس شرایط عینسی جامعه است که تضاد کار و سرمایه و نقش طبقه کارگر را هرچه بارزتر از پیش به نمایش میگذارد .

کارگران و توده های زحمتکش که رژیم آنها را در منگنه اقتصادی و سیاسی قرار داده است تا آنها را بیشتر استثمار کند و از آگاهی سیاسی دور دارد و آنها را بعنوان گوشت دم توپ بورژوازی به میدان جنگ ارتجاعی بفرستد و یا بعنوان سیاهی لشکر به تکبیرگویی وادارد ، برخلاف میل و اراده و فشارهای رژیم روزیرو نسبت به درک مسائل سیاسی حساستر و علاقمندتر میشوند . میزان تنفر عمومی از رژیم حاکم روز افزون است . رژیم با کمک و نقشه ساواکیهای گذشته و رهنمود روزیونیستهای حائن " توده های " و " اکثریتی " است که به پیگرد کمونیستها و انقلابیون میردازد نه با " ساواک " باصطلاح ۲۶ میلیونی اش ! رژیم با استفاده از ضعف ها و انحرافات سازمانهای کمونیستی و انقلابی است که در ماههای اخیر ضرباتی دردناک بر پیکر انقلاب وارد آورده است . روند مبارزه و وحدت گیری تضاد های طبقاتی علاوه بر تشدید تضاد بین توده های زحمتکش از یکطرف و رژیم از طرف دیگر ، موجب تشدید تضاد در صفوف بالای هیات حاکمه نیز گردید و اختلاف بین لایه های متعدد بورژوازی بر سر چگونگی استثمار بیشتر زحمتکشان و سرکوب آنان را دامن زد . اما مشاهده و لمس این اختلافات ارتجاعی به توده ها کمک کرد تا چهره سرمایه داران را بهتر بشناسند . دستاورد های عظیم مبارزه طبقاتی طی چند سال پس از قیام و ارتقاء پراتیک متنوع این مبارزه به سطح تئوری ، خود گنجینه ایست که استفاده از آن ، در جهت پیروزی انقلاب کارگران و زحمتکشان ضروری است .

طی سالهای اخیر ، توده ها از جمله حقایق زیر را تجربه کردند :

— پرچمداران سرمایه داری دولتی که از همان آغاز قدرت گیری زیر پوشش انقلابیگری دروغین و لفاظی های باصطلاح ضد امپریالیستی و سوسیالیستی استفاده و قیاحانه از احساسات مذهبی مردم توانسته بودند اعتماد توده های ناآگاه را بسوی خود جلب کنند ، طی روند مبارزه و در مدتی کوتاه ، پرده از چهره کریه شان فرو افتاد و ماهیت ارتجاعی آنان در سرکوب و حشیانه انقلاب و در نیرنگهای نفرت بارشان خود را نشان داد . خمینی — این امام تازیانه و دارواین خائن و جلاد کبیر تاریخ بشر — که میکوشید خورا " ماورای طبقات " نشان دهد و مافوق گروهها و دسته های سیاسی بنمایاند (ولیبرالها نیز همین نکته را ، خائنانه ، با طرح " شمولیت رهبری امام " تبلیغ میکردند) با روشن شدن نقش برجسته او در باند سرمایه داری دولتی حاکم و با دستپايش که تا مرفق در خون صدها هزار از جوانان میهن ما فرورفته است ، ماهیت و نقش ارتجاعی خود را عیان ساخت .

— لیبرالها ، که هر زمان جنبش توده ای برآمد پیدا میکرد ، برای سوار شدن بر موج ، از صندلی های راحتشان برمی خاستند و خیانت طبقاتی خود را به جنبش انقلابی و دشمنی خویش با کارگران و زحمتکشان را یکبار دیگر نشان میدادند هرچه بیشتر رسوا شدند . مجاهدین نیز در تکامل جهت گیری خویش و پذیرش برنامه لیبرالی " شورایی مقاومت " پرچم بورژوازی را برافراشتند .

— رویزونیستها ، این " اسپهای تروا " ی بورژوازی که برای تسخیر دژ انقلاب به لباس مارکسیسم درآمده اند در چهره های گوناگون از " توده ای " و " اکثریتی " گرفته تا گرایش های انحرافی درون سازمان های مبارز سالهای اخیر ، خود را معرفی کردند . آنها به طبقه خود یعنی سرمایه داری ، بیشترین خدمت ها و چاکری ها کردند و به جنبش کارگری و کمونیستی خنجرها از پشت زدند .

وسرانجام این طبقه بورژوازی بود که "چهره رژیم جمهوری اسلامی ، در چهره لیبرالها ، در چهره آترناتیو های ضد انقلابی و در چهره رویزونیسم و اپورتونیسم نشان داد که جز به شکست کشاندن انقلاب جز سرکوب انقلاب ، جز به فلاکت کشاندن کارگران و زحمتکشان و جز خدمت به امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم هدف دیگری را تعقیب نمیکند . این واقعیت یکبار دیگر خود نمائی کرده در دوران ما اگر رهبری انقلاب بدست پرولتاریا نباشد ، آن انقلاب پیروز نخواهد گشت .

دفاع! نیروهای کمونیست! نیروهای انقلابی و دمکرات!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ، که بخش مهمی از رادیکالترین نیرو های کمونیست و انقلابی میهن ما حول آن متشکل شدند نیز — همانند دیگر تشکل های مبارز جنبش کمونیستی — از نفوذ ایدئولوژی بورژوائی لطافت فراوان متحمل گشت . سازمان ما که با مرز بندی با رویزونیسم و اتخاذ موضع انقلابی علیه سوسیال امپریالیسم ، با اعلام اتکا خود به ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم بعنوان تنها ایدئولوژی نجات بخش طبقه کارگر ، با مبارزه بی امان علیه رژیم جمهوری اسلامی و افشای ماهیت بورژوائی و ارتجاعی آن ، بسا افشای ماهیت ارتجاعی جنگ ایران و عراق و ... و افشای ماهیت لیبرالها و مشی لیبرال — آتارشیستی و ضد انقلابی مجاهدین ، تاثیر چشم گیری در روند مبارزه طبقاتی میهن ما برجای گذاشته است در معرض حملات بورژوازی از بیرون و از درون قرار گرفت . پیکار در نظر رژیم در مقدمه هایی قرار دارد که باید هرچه بیشتر و سریعتر آنرا سرکوب کرد . پیکار بیش از هر نیروی دیگر در معرض حمله رویزونیستهای رنگارنگ قرار دارد و حزب خائن " توده " و " اکثریت " از هیچ خیانتی علیه آن حیداری نکرده اند و بسیاری از رفقای ما از طریق همینها به جوخه های اعدام سپرده شده اند .

بورژوازی با این اعتقاد که ریشه رادیکالیسم پیکار را که از وفاداری به مارکسیسم لنینیسم مایه میگیرد باید خشک کند ، ب فکر تسخیر دژ سازمان ما از درون ، افتاد . او گرایش ها و تعایلات راست را شناخت و بطور مستقیم و غیر مستقیم زمینه برآمد را برای آنان فراهم ساخت . گرایش های اپورتونیستی و آشتی طلبانه و عدم مرز بندی دقیق با انحرافات ، کانال نفوذ بورژوازی در سازمان بود . تبلور این انحرافات در بیانیه ای منعکس گشت که در پیکار ۱۱۰ (نیمه خرداد ۶۰) منتشر شد . این بیانیه با برخوردی رویزونیستی و رفونیستی در دعوی دو جناح از بورژوازی — لیبرالها و حزب جمهوری — جانب لیبرالها را گرفت ، حمله به حزب را بجای حمله به کل رژیم و رفم را بجای انقلاب گذاشت و کوشید سازمان ما را به دره ارتداد از مارکسیسم

سقوط دهد . کمونیستهای واقعی در درون سازمان به دفاع از انقلاب پرداخته و تعرض را آغاز کردند اما این مبارزه هنوز به سرانجام نرسیده بود که ضربات تیرماه و موج دستگیریه‌ها و اعدام‌ها از یکسو و حملات اپورتونیسیم راست در عرصه ایدئولوژی و تشکیلات و حملات اپورتونیسیم "چپ" از سوی دیگر ، به بحران درون سازمان دامن زد . عملکرد این انحرافات مانع از آن گشت که مبارزه ایدئولوژیک بتواند روند منطقی و مارکسیستی خود را در سازمان به پیش برد .

اما کمونیستهای واقعی در سازمان که مبین آرمانهای اکثریت توده‌های سازمانی هستند بسا جمع‌بندی و درس‌گیری از این مبارزه ، هرچه پر شور تر و پیکرانه تر به مبارزه ادامه خواهند داد . این نیرو که در نبرد با اپورتونیسیم آبدیده شده است خود را از آلودگیهای غیر پرولتری میزداید و شاداب و سرافراز پرچم سرخ خویش را در عرصه نبرد طبقاتی به اهتزاز در می‌آورد . سازمان ما هرچند با از دست دادن جمع کثیری از پیکارگران حماسه آفرین خویش که قهرمانانه در زیر شکنجه‌های دژخیمان جمهوری اسلامی مقاومت کرده اند ، لطافت فراوان متحمل شده است ، هرچند با خیانت‌تی چند از رفیقان نیه راه مانند حسین روحانی که خود را به بورژوازی فروختند و خون رفقای شهید و تاریخچه ای از جنبش کمونیستی و انقلابی میهن ما را لجن مال کردند روپرو شده است ، اما با تحلیل علمی این فراز و نشیبهای مبارزه طبقاتی میتواند آنها را چون درسی آموزنده بکار گیرد . اگر کمونیستها هشیاری انقلابی خویش را همواره حفظ کنند ، اگر مبارزه علیه بورژوازی در درون و بیرون ، قاطعانه ادامه یابد ، چنین پیشامدها که از پیچیدگی مبارزه طبقاتی ناشی میشود ، در روند کار سازمان یا حزب رزمنده تاثیر قابل ملاحظه ای نخواهد گذاشت . روند عام در مبارزه کمونیستها و در سازمان ما علیه رژیم شاه خائن و نیز علیه رژیم ارتجاعی حاکم ، مقاومت و حماسه بوده است . اگر در بین صدها شهید و هزاران رفیق که به زندان افتاده اند چند عنصر خود فروخته که کوله باری از انحرافات بورژوائی را با خود حمل میکرده اند پیدا شوند کردی بر دامن پر عظمت طبقه کارگر و کمونیستها و پیکارگران ما نخواهد نشانید .

توده‌ها مبارزه میکنند ، کسانی در موضع مسئولیت و رهبری آنها قرار میگیرند ، برخی از این افراد ممکن است به خیانت درغلطند و به انقلاب و توده‌ها پشت کنند ، اما این موجب آن نمیشود که توده‌ها دست از مبارزه بردارند . خیانت خودفروختگان روی کسانی که تحلیل علمی از علل واقعی یک خیانت ندارند تاثیری موقت میگذارد اما توده‌های آگاه و نیروهای مبارز با چشمی و اندیشه ای بازتر بسسه مبارزه میردازند و جلو میروند و دروازه پیروزی را می‌گشایند . خیانت روحانی نمی‌تواند چهره جنبش کمونیستی و چهره پیکار و رفقای رزمنده و شهید و مقاوم ما را خدشه دار کند . خیانت روحانی نه تنها خون رفقای شهید ما و کمونیستها و انقلابیون ایران را کمرنگ نخواهد کرد بلکه آنرا بسیار درحشانت تر و پررنگ تر نمایان خواهد ساخت . همینانکه خیانت مالدینوفسکی و جاسوسی او هرگز نتوانست کردی بر چهره تابناک حزب بلشویک بنشانند .

خیانت مرتدانی چون حسین روحانی ممکن است بهانه ای بدست بورژوازی دهد تا تلاش خویش برای لجن مال کردن پیکار را دوچندان کند. بورژوازی در چهره های گوناگون و قبیح اش از رادیکالیسم پیکار، از مبارزه کمونیستی پیکار میترسد و میترسد اینست که میکوشد آنرا لجن مال سازد. رژیم، توده ای ها و اکثریتی ها و دیگر نیروهای ضدانقلابی هر یک بنوعی به پیکار حمله میبرند. جالب و حتی مضحك است! کسانی که خود حداقل دو سه سال پیش از حسین روحانی خائن به "ضدامپریالیستی بودن" رژیم جمهوری اسلامی رسیده و پیکار را از "چپ روی" برحذر میداشتند امروز "حقانیت" گمشده خویش را در خیانت روحانی میابند! و میکوشند خیانتهای بی حساب خود به انقلاب را سرپوش بگذارند!

روحانی خیانت کرد زیرا فقدان مبارزه ایدئولوژیک سالم در درون تشکیلات موجب رشد گرایش های بورژوائی در او شده بود. او بویژه پس از تایید بیانیه رفرمیستی و رویزونیستی پیکار ۱۱۰ دچار افست چشمگیری شده و عمیقا به پاسیفیسم در غلتیده بود. اپورتونیسم آشتی طلبانه و موضعگیری متزلزل او در قبایل مسائل سازمان، او را از هرگونه پایگاهی - حتی یکنفر - در سراسر تشکیلات محروم ساخته بود. او در چنین شرایطی بدست رژیم اقتاد و جوزندان، زمینه ای را بوجود آورد تا او مسیر انحراف رویزونیستی خود را تکمیل کند و به یک خائن تبدیل گردد.

واقعیت اینست که :

در روند پرتلاطم مبارزه طبقاتی که چون سیل خروشان، جامعه انسانی و منجمده جامعه ما را در می نوردد. مرچند بطور غالب و با اکثریتی چشمگیری با مقاومت ها و حماسه های قهرمانانه کمونیستها و انقلابیون روبرو هستیم اما در مواردی محدود هم با ضعف و اودادگی، شکست و هزیمت طلبی، خیانت و پشت کردن به انقلاب مواجهیم. این دیالکتیک تاریخ است. آند به بینشی علمی و طبقاتی به مبارزه طبقات درون جامعه مینگرد، هرگز ذهنیات خود را بجای عینیات نمی نهند، هرگز آرمانخواهی خود را با ایدئالیسم اشتباه نمیکند. کمونیستها که با شناخت علمی جهان و مسلح شدن به ایدئولوژی طبقه کارگر، کمر همت به تغییر جهان میندند، هرگز نمیندازند که در این راه دشوار اما پیروزمند، کسی در میانه راه از رفتن باز نمی ماند، هرگز نمی پندارند که همگان تاب و فاداری پیکیرانه به آرمان های پرولتاریا را دارند، هرگز نمی پندارند که بورژوازی از اندیشه تسخیر دژ پرولتاریا از درون صرف نظر میکند. کمونیستها با تعام وجود درک میکنند که اگر با گرایشات بورژوائی در حزب یا سازمان ۰۴ ل بدستی مبارزه نشود، اگر با اپورتونیسم برحورد سازشکارانه و آشتی طلبانه صورت گیرد، پس از چندی این اپورتونیسم چون خسوره سراپای تشکیلات را در معرض نابودی قرار خواهد داد و غده چرکین خود را با عفونت آزاردهنده ای بسه نمایش خواهد گذارد.

درسی که از ضعف ها و خیانت ها باید گرفت چیزی جز کینه علیه بورژوازی، جز قاطعیت کمونیستی و انقلابی جهت مبارزه ایدئولوژیک در درون و میارزه علیه بورژوازی در همه عرصه ها در چهره های دوناگوش

نیست . کمونیست های راستین سازمان ما با پیراستن خویش از اپورتونیسم راست ، اپورتونیسم " چپ " و آشتی طلبی ، علیرغم ضربات رژیم و پیگرد ها و خفقان کم نظیر ، خود را آماده شرکت و حضور فعال در مبارزه طبقاتی می نمایند و در مبارزه با امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم ، در مبارزه با رژیم سرمایه داری دولتی و وابسته جمهوری اسلامی ، در مبارزه با رژیمی که بنام انقلاب ، نهال های تنومند پاکرخته در دوران انقلابی اخیر را به خاک و خون میکشد ، در مبارزه جهت استقرار جمهوری دموکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر ، تا پای جان میزنند و در این راه متکی به مبارزه خستگی ناپذیر طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان و همکاری و همبستگی با نیروهای کمونیست ، نیروهای انقلابی و دموکرات ایران و جهان خواهند بود .

بی هیچ ضعف و تردید و با ایمانی استوار و پرشور به جنبش انقلابی طبقه کارگر ، به مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی
ادامه دهیم . فردا از آن طبقه کارگر و زحمتکشان
ماست .

پیروز باد انقلاب دموکراتیک ایران برهبری طبقه کارگر !

مرگ بر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی !

ننگ بر خائنینی که به انقلاب وتوده ها پشت کردند !

افتخار بر رفقای شهید ، بی شماری که تا آخرین نفس به پیکار طبقه کارگر وفادار ماندند !

زننده باد انقلاب ، زننده باد سوسیالیسم !

تراپ حق شناس

عضو سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

اوایل خرداد ۱۳۶۱